

گفت‌وگویی «سلامت» با **تهمینه میلانی** فیلمسازی که این روزها فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» را بر روی پرده سینما دارد

# فیلمی که خشونت خانگی را به تصویر می‌کشد



**محبوبه ریاستی**

تهمینه میلانی از آن فیلمسازانی است که همیشه دوست دارد به واسطه ساخت فیلمش تلنگری به جامعه بزند و قصه‌ای از زنان جامعه را بازگو کند. او در سینمای کشورمان به عنوان یک فیلمساز مولف شناخته می‌شود. این کارگردان خوشنام سینمای کشورمان این روزها فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» را با موضوع خشونت خانگی بر پرده سینما دارد و در «فرهنگ سلامت» این هفته به همین بهانه با او گپ زده‌ایم. با ما همراه شوید.

**سلامت:** قصه ملی و راه‌های نرفته‌اش چطور شکل گرفت؟

قصه اولیه از درد دل خانم‌هایی که به‌علت ساخت فیلم‌هایی با محوریت زن، به‌منه اعتماد دارند و زوایای پنهان زندگی خود را برایم تعریف می‌کنند، شکل گرفت؛ هم داستان ملی و هم تیزر. بسیاری از مردم، به‌خصوص خانم‌ها به من اعتماد دارند و گاهی مسائل و درد دل‌های بسیار خصوصی‌شان را با من در میان می‌گذارند. به هر حال وقتی این افراد با من درد دل می‌کنند، در واقع مسوولیت اجتماعی من را زیاد می‌کنند. گاهی مطالبی می‌شنوم که منقلب می‌کند. مطالعه می‌کنم، روزنامه می‌خوانم و حتی در مهمانی و بیرون از خانه و در فروشگاه‌ها هم با خیلی از این مسائل مواجه می‌شوم.

**سلامت:** برای تحقیق فیلمنامه از چه کسانی کمک گرفتید؟

بعد از نگارش اولیه فیلمنامه، با متخصص علوم اجتماعی، حقوقی و روان‌شناس چند بار آن را مرور کردیم و من اشکالات آن را بر اساس تخصص آنها برطرف کردم. هدف این بود که چرخه معیوب و ریشه‌های خشونت را مطرح کنیم و به جامعه درمورد عواقب آن هشدار دهیم، هرچند کمی دیر شده است.

**سلامت:** چرا قلمی با موضوع خشونت؟

چرا نه؟! اغلب مردم از ابعاد خشونت و انواع آن آگاه نیستند، حال آنکه خشونت ابعاد گسترده‌ای دارد. تصور غالب افراد از خشونت، ضرب و شتم است، در حالی که چنین نیست، تقاضای جنسی نامتعارف، فحاشی، کنترل اجتماعی، به‌ویژه ارتباط با دوستان و فامیل، کنترل لباس و آرایش، توهین به عقیده و نظر، از بین بردن اتکا به نفس و اعتماد به نفس و... هم نوعی خشونت است و می‌تواند از دلایل مهم طلاق و آسیب‌های جدی باشد. در این مورد آمارهای سازمان پزشکی قانونی هم از خشونت خانگی تکان‌دهنده است. سال گذشته سازمان پزشکی قانونی، در ۶ ماه اول سال، حدود ۱۸۰ مورد ضرب و شتم شدید بانوان منجر به نقص عضو یا فلج شدن اعلام کرد و در این مورد هشدار داد و عنوان کرد اینها تنها درصد بسیار کمی از زنان هستند که شکایت کرده‌اند و بیشتر آنها خشونت را پنهان می‌کنند یا با دخالت بزرگ‌ترهای فامیل بر آن سرپوش می‌گذارند.

**سلامت:** منظور از راه‌های نرفته چیست؟

نشانی دادن راه به خانم‌های جوان کم‌تجربه که به‌خاطر قیافه و ظاهر افراد، دل به آنها می‌بندند و نشانه‌های خطر را دنبال نمی‌کنند. در فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» از همان ابتدای آشنایی سیامک و ملی، نشانه‌های بسیاری از شناخت وجود دارد، مانند پر خاشی که سیامک به خانم راننده می‌کند، یا تلفن همراه او را کنترل می‌کند، تذکر پوشش می‌دهد، نگران نگاه مردان دیگر به اوست و... اما ملی همه اینها را به حساب عشق و علاقه می‌گذارد و توجه جدی به آنها نمی‌کند، غافل از اینکه این نوع رفتارهای ناهنجار حامل پیامی مهم برای اوست. ملی نشانه‌ها را نمی‌بیند و به دام می‌افتد چون خانواده او اعتماد به نفس و اتکا

به نفس کافی به او نداده‌اند و چه‌بسا کشته‌اند و همان‌طور که خود او می‌گوید، همین که سیامک او را پسندیده و قصد ازدواج با او را دارد، تاج بزرگی به سرش زده است.

**سلامت:** نوشتن فیلمنامه چقدر زمان برد؟

با تحقیقات انجام گرفته، حدود یک سال.

**سلامت:** شخصیت ملی چگونه شکل گرفت؟

هنگام نوشتن فیلمنامه و ساختن فیلم سعی کردم دختری بسیار معمولی را به تصویر بکشم که سقف آرزوهای او کوتاه است. نهایت خواست این دختر این است که عاشق شود و ازدواج کند. به قول خودش خانم خانه خود باشد، برای شوهرش آشپزی کند، با همسرش به پارک برود و سینما، برای همین اسمش را ملیچه گذاشتم. یک اسم معمول در خانواده‌های متوسط شهری.

با این کار سعی کردم جامعه را متوجه نکته ظریفی کنم که اگر حتی سقف آرزوی دختری کوتاه باشد، تمکین کند و جاه‌طلبی و بلندپروازی هم نداشته باشد، ممکن است قربانی خشونت خانگی شود. دخترانی که در عرف اجتماعی از آنها با کلمه نجیب یاد می‌شود، می‌خواستیم نشان بدهیم که حتی زن نجیب موردپسند اقشار سنتی جامعه هم ممکن است درگیر ناهنجاری‌های اجتماعی شود.

**سلامت:** فکر می‌کنید در جامعه امروز چند درصد از خانواده‌ها درگیر مسایل این چنینی یعنی خشونت خانوادگی هستند؟

همان‌طور که گفتم، خشونت ابعاد متنوعی دارد. با این تعاریف بالای ۹۰ درصد اساساً بر این باورند که لزومی ندارد میزان یک ناهنجاری در جامعه افزایش یابد تا هنرمندان، مردم و مسوولان به آن توجه کنند، مثلاً موارد اسیدپاشی در حدی نیست که آن را عمومی بدانیم، اما حتی اگر یک مورد هم اتفاق بیفتد، باید برای پرداخت و مقابله با آن اقدام کرد. به باور من، هر موجود انسانی حق بهره‌مندی از مواهب زندگی را دارد و هر آسیب به تک‌تک انسان‌ها قابل پرداخت و تأمل است. هنرمند می‌تواند و حق دارد حتی موارد استثنایی را هم دستمایه هنرش کند، چه برسد به مساله

عمومی مهمی مانند خشونت خانگی.

**سلامت:** به نظر شما فردی که دست به خشونت خانگی می‌زند، بیمار است؟

تصور عموم بر این است، اما در واقع این‌طور نیست. البته ممکن است فردی بیماری خاصی داشته باشد و دست به خشونت بزند، اما ریشه خشونت همیشه روانی نیست و در جامعه ما و بسیاری جوامع دیگر ریشه در فرهنگ و حقوق اجتماعی دارد. گاهی می‌بینیم که در برخی از خانواده‌ها از همان سن کودکی به پسر یاد داده می‌شود که تو باید مراقب زنان خانواده باشی و نامش را غیرت و ناموس می‌گذارند. این حس با توجه به اینکه این پسر بچه در چه بستر اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی رشد می‌کند، می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند.

طبعاً فردی که از پدرش تکتک می‌خورد و شاهد رفتار خشن پدر با خواهر و مادر خود است، وقتی بزرگ می‌شود، به دام این چرخه می‌افتد و به‌زعم خود، برای محافظت از خانواده که پدر وظیفه مراقبت از آنها را برعهده او گذاشته، دست به خشونت می‌زند. بی‌شک، پدر خانواده هم داستانی مشابه داشته است؛ یعنی او هم توسط پدری آموزش دیده که دست به خشونت می‌زده است.

**سلامت:** راهکار شما برای جلوگیری از خشونت خانوادگی چیست؟

آموزش و بالا بردن سطح آگاهی. کاری که در جامعه ما به دست فراموشی سپرده شده است. **سلامت:** با توجه به رشد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی زنان، به‌خصوص در طبقه متوسط که اغلب دارای زندگی مستقل و شغل هستند، بروز خشونت از طرف مردان خانواده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فراموش نکنید، خشونت‌نگر مشخصات خاصی ندارد. می‌تواند، بی‌سواد، تحصیلکرده، مذهبی، غیرمذهبی، ثروتمند، فقیر، جذاب، سختکوش، شوخ، باهوش و حتی پدر یا مادر خوبی برای فرزندش باشد، اما به دلایل فرهنگی قابلیت اعمال خشونت را داشته باشد. طبعاً اگر زنی از تحصیلات خوب، استقلال اجتماعی و رفاه مالی کافی برخوردار باشد، رغبت کمتری به ادامه زندگی با مردی پر خاشاگر و خشونت‌نگر

دارد، به‌ویژه اگر فرزندی در کار نباشد. این فرد با اتکا به امکانات اجتماعی و اقتصادی خود می‌تواند از این رابطه خارج شود، اما متأسفانه بسیاری از زنان جامعه به دلایل بسیار، از جمله نیاز اقتصادی، به همسر خود وابسته‌اند و همین امر از قدرت اعتراض و مراجعه به محاکم قضایی ایشان می‌کاهد.

**سلامت:** چطور می‌شود جوانی را که چشم‌پسته فردی را به‌عنوان همسر انتخاب می‌کند از این کار منع کرد؟

ممکن است فردی به خواستگاری بیاید و ظاهر بسیار موجهی داشته باشد، اما بعدها خلاف آن ثابت شود. تأکید من در فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» عواقب شوم عدم شناخت و منطقی از همسر آینده است.

**سلامت:** خانواده ملیچه در مساله و بحران زندگی او چقدر نقش داشتند؟

شما در فیلم متوجه خطاهای سهوی آنها هستی. این قبیل رفتار با دختران، متأسفانه در بسیاری از خانواده‌ها نهادینه شده است. کنترل بیش از حد که موجب گریز دختران جوان از خانه پدری می‌شود.

**سلامت:** منظورتان این است که در مساله و بحران زندگی ملیچه خانواده او مقصر بودند؟

به دنبال مقصر نیستم، اما بیننده را متوجه خطاهای آنها می‌کنم. متأسفانه رفتار و نگاه تبعیض‌آمیز در مورد فرزندان دختر در بسیاری از خانواده‌ها نهادینه شده است. کنترل خشونت و سوال و جواب‌های بیش از حد، موجب گریز دختران جوان از خانه می‌شود. برای من این مهم بود که از خانواده‌ای که توجه کافی به دختر خود نداشته‌اند و به نوعی او را کم‌تجربه و چشم و گوش بسته بار آورده‌اند، بپرسم که چرا هنگامی که او احساس بی‌پناهی می‌کند، او را پناه نمی‌دهند و حمایت نمی‌کنند؟ چرا مسوولیت نقش اشتباه خود را در زندگی ملی نمی‌پذیرند؟ آیا او به دلیل اشتباهی که بر اثر بی‌تجربگی مرتکب شده، باید تا آخر عمر بی‌پناه بماند؟ بسوزد و بسازد چقدر در بسیاری از خانواده‌ها محیط دلچسب، مهربان و امنی برای دختران جوان فراهم نیست؟ چرا پدران و مادران اجازه رشد اجتماعی به دختران خود

**من سعی کردم باب بحث «خشونت خانگی» را با فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» باز کنم؛ همان‌طور که در فیلم‌های دیگر هم همین کار را کردم؛ مثلاً در فیلم «دو زن» نفی هویت انسانی زنان، در فیلم «واکنش پنجم» حق مادری و حضانت اطفال بعد از مرگ همسر، در فیلم «زن زیادی» خیانت همسران به زنان نجیب خود و...**

**سلامت:** چرا زندگی‌های زن‌شویی امروز اینقدر سخت و پر از ترس شده است؟ فکر می‌کنم به دلیل عدم شناخت زن و مرد قبل از ازدواج است. همچنین عدم اتکا به نفس به‌ویژه در دختران و فشار خانواده و جامعه نسبت به آنها باعث بروز این مشکل شده است.

**سلامت:** چه باید کرد؟ آگاهی یک کلید است. ممکن است شما وقتی بچه بوده‌اید، اتفاقات زیادی برایتان افتاده باشد، مثلاً به شما تجاوز شده باشد یا مورد ظلم واقع شده باشید، اما اگر بعدها در سایه مطالعه و رشد آگاهی، نسبت به اینکه چرا چنین اتفاقاتی افتاده، آگاه شوید می‌توانید خشم خود را کنترل کنید، رشد کنید و انسان نیکی بشوید و چه‌بسا برای کاستن از این قبیل اتفاقات آسیب‌زا دست به عمل بزنید. اگر زمانی که مادرتان تکتک می‌خورد، رنج درد او را حس کنید و معنی اشک او را بفهمید، بی‌شک هرگز زنی را مورد خشونت قرار نخواهید داد، اما اگر داده‌های شما این باشد که زن را باید کنترل کرد یا تکتک زد تا خانواده دوام بیاورد، این چرخه ادامه خواهد داشت. بنابراین تلاش همه ما باید این باشد که درک درستی از ناهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی بیابیم و با آگاهی از آنچه پیرامون ما رخ می‌دهد، راهکار بیابیم و اگر خود ما در چنین چرخه‌ای گرفتار آمده‌ایم، از یک حقوقدان و روان‌شناس کمک بگیریم.

**سلامت:** آیا با ساخت فیلم‌های اجتماعی از نوع «ملی و هزار راه نرفته‌اش» می‌توان به آگاهی‌رسانی به نسل جوان در مورد پدیده خشونت و تبعاتش امیدوار بود؟

من سعی کردم باب بحث «خشونت» را با این فیلم باز کنم. همان‌طور که در فیلم‌های دیگر هم همین کار را کردم. در فیلم «دو زن» نفی هویت انسانی زنان، در فیلم «واکنش پنجم» حق مادری و حضانت اطفال بعد از مرگ همسر، در فیلم «زن زیادی» خیانت همسران به زنان نجیب خود و...

**سلامت:** انتخاب بازیگران بر چه اساسی بود؟

در این پروژه خاص به دلیل سختی نقش، قابلیت‌های بازیگر هم مطرح بود. من با تعداد بسیار زیادی از بازیگران تئاتر، سینما و چهره جدید ملاقات کردم. اولین بار که ماهور را دیدم، تحت تأثیر رفتار و چهره‌اش قرار گرفتم تا در نهایت این دخترم زینا بود که او را تایید کرد. روزی که زینا گفت ماهور بیشتر از دیگران به ملی نزدیک است، به دلیل دقتی که در این امور دارد، پذیرفتم و در همان شروع تمرین‌ها به این یقین رسیدم که ماهور «ملی» فیلم من است. این یقین، تایید مهری شیرازی (طراح گریم) و توج منصور (مدیر فیلمبرداری) را هم در پی داشت که چهره و فیزیک ماهور را مناسب نقش ملی می‌دانستند. آقای کی‌مرام را اولین بار در فیلم ملکه دیدم و به آقای زرین‌دست، فیلمبردار فیلم ملکه گفتم آینده درخشانی در سینما در انتظار اوست. صورت و فیزیک میلاد کی‌مرام از دیدن من مناسب بازی در نقش سیامک بود. السا هم در چند فیلم من بازی کرده بود و توانایی‌های او را می‌شناختم. جمشید هاشم‌پور، افسر اسدی، فرزانه نشاط‌خواه و جمشید جهانزاده هم کاملاً منطبق با نقش‌شان بودند و همین‌طور دیگران. در این فیلم از تعدادی از دوستان جوان تئاتر هم دعوت به همکاری کردم که قبلاً از آنها کارهای اجرایی خوبی دیده بودم و نقش‌های متنوعی از فیلم را به آنها سپردم. بیشتر آنها برای اولین بار جلوی دوربین می‌رفتند.

**سلامت:** آیا به فیلم بعدی‌تان فکر کرده‌اید؟

بله، نگارش فیلمنامه به اتمام رسیده و به زودی ساخت آن را آغاز خواهیم کرد. ■

“

## راه‌های کنترل خشم را بیاموزیم

حقشان اجحاف کرده، نرسد، مثلاً کارمندی که نمی‌تواند حشش را از مدیریت بگیرد، از این موضوع عصبانی خواهد شد و عصبانیتش را سر کودک یا همسرش خالی خواهد کرد. امروزه شکل خشونت‌های خانگی تغییر کرده و به شکل سکوت درآمد است، مثلاً خیلی از همسران با نادیده گرفتن یکدیگر، نداشتن رابطه زن‌شویی و حرف زدن، خشم خود را به دیگری نشان می‌دهند. این همسران ممکن است هیچ وقت به هم ناسزا نگویند یا تکتک کاری نکنند، اما با این روش خشم خود را بروز می‌دهند؛ یعنی خشمی منفعلانه دارند، مثلاً زن و شوهری می‌خواهند با یکدیگر به مهمانی

دیگر است. البته ناگفته نماند که بروز خشم آن هم به شیوه قدیمی یعنی پر خاشاگری و تکتک زدن معمولاً از پدرها به پسرها انتقال پیدا می‌کند، مثلاً پسرها در کودکی به واسطه پدری که هر روز مادرشان را به بهانه‌های مختلف زیر مشت و لگد می‌گرفته، می‌آموزند که به اسم غیرتی بودن، هر نوع رفتاری را که می‌خواهند می‌توانند، با همسر یا دخترشان در آینده داشته باشند. از طرفی، خیلی از زنان به علت ترس از آبرویشان هیچ وقت شکایتی از این بابت نمی‌کنند و به همین دلیل دچار افسردگی‌های شدیدی می‌شوند چون نمی‌توانند از حقشان دفاع کنند.

از سوی دیگر، خیلی از افراد ممکن است زورشان به کسی که در

خشم یکی از حس‌هایی است که هر انسانی آن را در وجود خود دارد و معمولاً کسی که حشش ضایع شده یا فکر می‌کند که حشش ضایع شده، این حس را بیشتر از افراد دیگر تجربه خواهد کرد. افراد مختلف خشمشان را به شکل‌های مختلفی بروز می‌دهند؛ یک نفر در را می‌کوبد، یکی تکتک می‌زند و دیگری هر چه که دم دستش است را می‌شکند. معمولاً در جوامعی مانند ایران که بین سنت و مدرنیته قرار گرفته و از طرفی تا حدی تبعیض جنسیتی وجود دارد، بروز خشم به مراتب بیشتر از کشورهای



**دکتر محمد کنگرانی** روان‌پزشک

بروند، اما مرد یا زن آنقدر برای آماده شدن زمان را می‌کشد که فرد مقابلش را عصبانی کند یا دائم نه می‌آورد و منفی‌بافی می‌کند. به هر حال برای رسیدن به یک رابطه منطقی و دور از خشونت باید روان‌درمانی کرد و شاید حتی مدتی به دارودرمانی متوسل شد تا به نتیجه دلخواه رسید. در مورد ساخت فیلم‌هایی مانند «ملی و راه‌های نرفته‌اش» هم باید بگویم که ساخت این نوع کارها خوب است، به شرط اینکه متصفانه قضاوت کنند و قضاوتشان یکطرفه نباشد. به هر حال همه ما نیاز داریم راه‌های کنترل خشم را بیاموزیم تا بتوانیم از حقمان به درستی دفاع کنیم. ■